

توحید

<?xml encoding="UTF-8?">

مقدمه واژه زیبای توحید در میان سایر واژگان و اصطلاحات فکری و اعتقادی، از جایگاه و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و در طول تاریخ بشریت، محور اصلی دعوت پیامبران الهی، به ویژه پیامبران ابراهیمی بود. آنان، نخستین و مهمترین گفتاری که با مردم عصر خود داشتند، توجه و آگاهی آن‌ها به پذیرش توحید و پرهیز از کفر و شرک بود و به آنان می‌گفتند: "قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلِحُوا؛ بگویند جز خدای واحد، خدای دیگری نیست تا رستگار شوید".

معنای توحید توحید به معنای یگانگی خدا و اعتقاد به یگانه بودن اوست. به این معنا، که در مقام فکر و اندیشه، شریک و رقیبی در آفرینش جهان هستی و برقراری نظم و نظام آن، برای وی قایل نشویم و در مقام عمل، جز در برابر او، برای هیچ کس و هیچ چیزی سر تعظیم فرود نیاورده و آن را سجده و پرستش ننماییم.

توحید از منظر اسلام مجموعه تعلیمات اسلامی را می‌توان در سه بخش کلی، خلاصه کرد: اصول عقاید، اخلاقیات و احکام.

اصول عقاید اسلامی از دیدگاه شیعه، معروف به پنج اصل است: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد. غیر از شیعه، سایر مذاهب و فرقه‌های اسلامی نیز به سه اصل از اصول عقاید، یعنی: توحید، نبوت و معاد معتقد بوده و با شیعیان اتفاق نظر دارند.

اصول عقاید، از جمله توحید، در مقام فکر و اندیشه قابل بررسی است.

به این معنا، که هرکس می‌تواند با تدبر و تعقل و اندیشیدن درباره آفریننده‌ی جهان هستی، پی به یگانگی خدا برده و اعتقاد به وحدانیت او پیدا کند. بدین جهت، تقلید و پیروی کردن از دیدگاه قرآن، بدون این که خود تلاش و کوشش فکری و عقلی نماید، کافی نیست و اساس و پایه‌ی استواری برای آن نخواهد بود و به هنگام مواجه شدن با شبهات و ایجاد تردید و دودلی بدخواهان و منکران، توان استقامت و ایستادگی نخواهد داشت.

اساس دعوت پیامبر اسلام پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) علاوه بر آن که عرب‌های مشرک و بت‌پرست جزیره‌العرب را، که متعصبانه در پرستش بت‌ها راه افراط را در پیش گرفته بودند، یهودیان و مسیحیان. سایر پیروان ادیان الهی را نیز که از اصول اولیه دین و مذهبشان عدول کرده و مرتکب شرک شده و برای خداوند متعال شریکی قرار می‌دادند، دعوت به توحید و پرهیز از شرک و کفر می‌نمود.

خداوند متعال، طی فرمانی به پیامبر اکرم (ص) وحی فرستاد: "قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالُوا إِلَيَّ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ، إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا." (1)

یعنی : بگو، ای اهل کتاب (و پیروان کتاب‌های مقدس آسمانی) بیایید به جانب کلمه‌ای که میان ما و شما یکسان است (و بر آن اتفاق کنیم) به این که جز خدا، چیزی را نپرستیم و برای او شریکی قرار ندهیم. پیامبر اسلام (ص) به آنان یادآو می‌شد که پیامبران گذشته، همگی بر توحید و پرهیز از شرک و کفر تأکید داشته و در این راه، سختی‌های فراوان کشیده و چه بسا به دست منکران و معاندان کشته شدند و شما که ادعای پیروی آن پیامبران بزرگ را دارید، باید اهدافشان را برآورده کرده و راه توحید و ایمان را در پیش گیرید و از شرک دست برداشته و شریکی برای خداوند متعال قرار ندهید. ولیکن پیروان ادیان و مذاهب موجود جهان، هم چنان در اشتباه و انحراف خود باقی بوده و تلاشی بر تصحیح عقاید خود به عمل نیاوردند. تنها پیروان دین اسلام، یعنی مسلمانان واقعی به خاطر بهره‌مندی از قرآن کریم، که کتاب آسمانی رسول خدا (ص) و تماماً وحی و گفتار الهی است، از شرک و کفر به دور بوده و معتقد به توحید و یگانگی خدا بوده و هستند.

از منظر عقل سلیم بشری (که عاری از هوای نفس و دسیسه‌های شیطانی باشد) حکم می‌کند به این که تمام پدیده‌های جهان هستی، که دارای نظم و نظام خاص بوده و هر کدام از آن‌ها به وظیفه تکوینی خود عمل کرده و ذره‌ای سرپیچی و بی‌نظمی نمی‌نمایند، همگی از مبدایی واحد به وجود آمده و از همان مبدأ فرماندهی می‌گردند.

آن مبدأ واحد، چیزی جز خدای یکتا نیست، که ما اعتقاد به یگانگی وجود آن را داریم. اساساً محال و غیر ممکن است به جای خدای واحد، دو خدا و یا چند خدا وجود داشته باشد. چون در آن صورت لازم می‌آید که یک آفریننده بالاتری که جامع آن‌ها باشد، وجود داشته باشد. دوتایی و یا چندتایی بودن چیزی، از خواص موجودات محدود نسبی است و در میان مخلوقات و موجودات، ممکن و عملی است ولی درباره خدا که موجودی نامحدود، لایتناهی و مطلق است، تعدّد و چندتایی راه ندارد.

در قرآن مجید نیز به این برهان اشاره شده است : "لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ، لَفَسَدَتَا." (2)

یعنی : اگر در آسمان‌ها و زمین، غیر از خدا، خدایان دیگری بود، هر آینه آسمان‌ها و زمین تباه شده و از بین می‌رفتند.

به تعداد ذرات عالم دلیل بود بر وجود خدای جلیل

همه عالم از ذره و کهکشان دلالت کند بر خدای جهان

ز آب و ز خاک و ز نور و فضایی دلیل است بر هست یکتا خدای (3)

یگانگی خدا از منظر قرآن کریم قرآن مجید در آیات متعدد خود، صفات توحیدی خداوند متعال را به روشنی و صراحت تمام بیان کرده است. شایسته است در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره‌ای داشته باشیم :

1- خداوند متعال، یکتا و یگانه است : "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ." (4)

2- از همه کس و از همه چیز بی‌نیاز است : "اللَّهُ الصَّمَدُ." (5)

3- کسی او را نزاییده و از او نیز کسی زاییده نشده است : "لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ." (6)

4- هم وزن و هم شأنی ندارد : "وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ." (7)

5- هم‌تا و همانندی ندارد : "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ" (8)

- 6- همباز و شریکی ندارد : "لا شَرِیکَ لَهُ". (9)
- 7- به همه چیز آگاه و دانا است : "إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ". (10)
- 8- از آشکار و نهان همگان باخبر است : "إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ". (11)
- 9- بر همه چیز قادر و تواناست : "إِنَّهُ عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ". (12)
- 10- پروردگار همه کس و همه چیز است : "وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ". (13)
- 11- به هر طرف که روی آوریم، به سوی او خواهد بود : "أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ". (14)
- 12- از همه چیز، حتی از رگ گردن به انسان نزدیکتر است : "تَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ". (15)
- 13- هیچ دیده‌ای او را نبیند و او همه را می‌بیند : "لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ". (16)
- 14- همگان به او نیازمندند : "أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ". (17)
- 15- از وسوسه‌های نفس و از باطن همه آگاه است : "وَ نَعْلَمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ". (18)
- به گفته خواجه کرمانی :

"هم رازق بی‌ریبی و هم خالق بی‌عیب / هم ظاهر پنهانی و هم باطن پیدا مأمور تو از برگ سمن تا به سمندر / مصنوع تو از تحت ثری تا به ثریا توحید تو خواند به سحر مرغ سحرخوان / تسبیح تو گوید به چمن بلبل گویا"

(19)

توحید در کلام امیر مؤمنان (ع) امیر علی بن ابی طالب (ع) زیباترین و شیواترین توصیف از پروردگار متعال را در کلام خویش دارد که بسیاری از آن‌ها در کتاب شریف نهج البلاغه گردآوری شده است. در این جا، تنها به بخشی از یک خطبه آن حضرت، که درباره عظمت خدای سبحان است، اشاره می‌کنیم :

"همه چیز در برابر خدای متعال، خاضع و فروتنند و همه به یاری و قدرت او پا بر جا. او بی نیاز کننده هر مستمند و عزت‌بخش هر خوار و افتاده‌ای است و نیرودهنده هر ناتوان و پناه‌گاه هر بیچاره و ستم‌دیده‌ای است. هر که سخن بگوید، او می‌شنود و هر که سکوت کند، رازهای درونش را می‌داند. آن که زنده است، روزی اش با اوست و هر کسی بمیرد، بازگشتنش به سوی او خواهد بود .

(خدایا) چشمان کسی تو را ندیده تا از تو خبر دهد و تو از قبل بوده‌ای، پیش از آن که مخلوقان از تو سخن گفته و بتوانند تو را توصیف کنند. آفریدگان را به خاطر ترس از تنهایی نیافریدی و آنان را برای سود خویش به کار و انداختی. کسی از قدرت تو نمی‌تواند بگریزد و آن که را بگیری نمی‌تواند از چنگت رهایی یابد. نافرمانی و سرپیچی گناه‌کاران، از عظمت تو نمی‌کاهد و پیروی و فرمانبرداری مطیعان بر ملکت نمی‌افزاید.

آن کس که از قضای تو به خشم آید، نمی‌تواند فرمانت را برگرداند و کسی که از فرمانت روگرداند، از تو بی‌نیاز نمی‌شود." (20)

توحید در شعر سنایی غزنوی

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نرم جز به همان ره که توام راه نمایی همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی تو زن و جفت نداری، تو خور و خفت نداری / احد بی‌زن و جفتی، ملک کامروایی نه نیازت به ولادت، نه به فرزندت حاجت / تو جلیل الجبروتی، تو نصیر الأمرای تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی بری از رنج و گدازی، بری از درد و

نيازي / بري از بيم و اميدي، بري از چون و چرایی بري از خوردن و خفتن، بري از شرک و شبیهي / بري از صورت و رنگي، بري از عيب و خطايي نتوان وصف تو گفتن، که تو در فهم نگنجي / نتوان شبه تو گفتن، که تو در وهم نيائي بُد اين خلق و تو بودي، نبود خلق تو باشي / نه بجنبي، نه بگردی، نه بکاهي، نه فزايي همه عزّي و جلالي، همه علمي و يقيني / همه نوري و سروري، همه جودي و جزايي همه غيبي تو بداني، همه عيبي تو بپوشي / همه بيشي تو بکاهي، همه کمي تو فزايي أَحَدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ صَمَدٌ، ليس له ضد لمن الملك تو گويي که مر آن را تو سزايي لب و دندان سنائي همه توحيد تو گویند / مگر از آتش دوزخ بودش روي رهايي (21)

مراتب و درجات توحيد آن چه تا بدین جا بيان شد، مختصري درباره توحيد به طور کلي و اجمالي بود، ولي بايد توجه داشت که توحيد، داراي مراتب و درجاتي است، که موحد واقعي تا به همه آن‌ها دست‌رسي پيدا نکند، نمي‌تواند به حقيقت توحيد برسد و راه کمال و سعادت انساني را طي کند.

علماي علم کلام، از یک لحاظ، چهار درجه براي توحيد بيان کرده‌اند، که عبارتند از :

1 - توحيد ذاتي

يعني شناختن ذات خداوند سبحان به وحدت و يگانگي. به عبارت ديگر يعني خداوند متعال، حقيقي است که در وجود خود، به حقيقت ديگر وابسته نيست و به چيزي اتکا ندارد و بالعکس، همه حقيقت‌ها و پديده‌هاي جهان هستي به او وابسته بوده و متکي به اراده و خواست او مي‌باشند. حکما و فلاسفه از چنين ذاتي به "واجب الوجود" و "علت العلل" تعبير مي‌کنند.

2 - توحيد صفاتي

يعني شناخت يگانگي ذات و صفات خداوند متعال. به اين معنا که صفات خدا (اعم از صفات جماليه و صفات جلاليه) عين ذات اوست و ميان ذات و صفات او، هم‌چنين ميان صفات او نسبت به يکديگر، دوگانگي و اختلافي نيست. زيرا اختلاف ذات با صفات و يا اختلاف صفات با يکديگر، لازمه محدوديت است. همان طوري که در انسان و يا موجودات ديگر عالم آفرينش چنين چيزي ممکن و معمول است. وليکن در خدای سبحان، چون ذاتش يگانه و وجودش لايتناهي و غير محدود است، کثرت و ترکيب و يا اختلاف ذات و صفات و يا اختلاف صفات با يکديگر، قابل تصور نيست و از محالات مي‌باشد.

3 - توحيد افعالي

يعني شناخت اين که جهان هستي با تمامي نظم و نظامش و علت و معلولاتش، کار خداست و هر فعلي بر گرفته از اراده و خواست او مي‌باشد. بنا بر اين، هر کار و يا هر علت و سببي براي پديده‌اي تصور شود، بي ترديد، وابسته به اراده خداست و قائم به خواست وي مي‌باشد و هيچ چيزي از خودش استقلال ندارد و هر چيز و هر کاري تابع اراده الهي است

4 - توحيد در عبادت

يعني اين معنا، که عبادت ، تنها براي خداوند سبحان سزاوار است واز غير او،بر هيچ چيز و هيچ کسي روا نبوده و حرام مي‌باشد.

عبادت از نظر اسلام، داراي درجاتي است که بايد درجايي خودش مورد بحث و بررسي قرار گيرد ولي روشن‌ترين و صريح‌ترين مرتبه آن، انجام مراسم تقديس و تنزيه (مانند نماز و طواف) است که اگر براي غير خدا انجام شود، مستلزم شرک و خروج از جرگه اهل توحيد خواهد بود.

يادآوري

مراتب توحید را از لحاظ دیگر می‌توان به دو بخش تقسیم کرد :

1- توحید نظری. یعنی شناخت خداوند متعال و پی بردن به وجود وصفات او از راه فکر و اندیشه. این بخش شامل توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی می‌گردد.

2- توحید عملی. یعنی درک وحدانیت خداوند متعال در مرحله عمل و انجام کار. این بخش شامل توحید در عبادت می‌گردد. (22)

به هر روی، توحید و اعتقاد به یگانگی پروردگار متعال در جان آدمی و در فطرت پاک هر انسان موجود است و تا زمانی که زنگار گناه و انحراف از مسیر حقیقت، وی را فرا نگیرد، موحد واقعی است و در آن صورت می‌تواند راه تعالی و کمال را به پیماید و به سر منزل تقوی و یقین برسد. به گفته اوحیدی مراغه‌ای :

تا ز توحید نگردی مست ندهد رتبت وصولت دست (23)

شرک، در برابر توحید در برابر توحید، شرک قرار دارد که به معنای شریک قرار دادن برای خدا (چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی) است. شرک نیز به مانند توحید درجات و مراتبی دارد که لازم است در جای خودش مورد بررسی قرار گیرد.

پی نوشت ها : 1 - سوره آل عمران، آیه 64.

2- سوره انبیاء، آیه 22

3- سیمای توحید، محمد رضا آدینه وند، ص 28

4- سوره توحید، آیه 1.

5- همان، آیه 2.

6- همان آیه 3

7- همان آیه 4

8- سوره شوری آیه 11

9- سوره انعام آیه 163

10- سوره شوری آیه 12

11- سوره انبیاء، آیه 110

12- سوره حج، آیه 6

13- سوره انعام، آیه 164

14- سوره بقره، آیه 115

15- سوره ق، آیه 16

16- سوره انعام، آیه 103

17- سوره فاطر، آیه 15

18- سوره ق، آیه 16

19- دیوان اشعار خواجه کرمانی

20- نهج البلاغه فيض الاسلام، خطبه 108

21- ديوان اشعار سنائي غزنوي

22- برگرفته از مجموعه آثار شهيد آيت الله مطهري (ره)، ج 2، ص 99

23- ديوان جام جم، اوحدي مراغه‌اي

***** برگرفته از ماهنامه پاسدار اسلام : اسفند 83 و فروردين 84 - شماره 279 و 280